



شقایق فرهنگ مهر

سردبیر نشریه «دنا»
انجمن زیست‌شناسی
دانشگاه تهران

ماجرای اعتراض دانشجویان به تخریب پارک ملی گلستان

قاتل پلنگ ایرانی را بشناسید

۱ در برنامه سفری علمی که در روزهای آغازین خرداد ماه زیر نظر دکتر حسین آخانی، استاد گیاه‌شناسی دانشگاه تهران، به جنگل گلستان داشتیم، اکولوژی جنگل گلستان را بررسی کردیم و از طبیعت زباله‌هایی را جمع کردیم که حاصل گذر مسافران و گردشگران بی‌مسئولیت از این منطقه بود؛ اما از همه مهم‌تر، در کنار جاده‌ای که از میان جنگل گلستان می‌گذرد، در محل مرگ پلنگ مادر تجمع کردیم و به این ترتیب اعتراض خود را به گوش مسئولین محیط زیست کشور رساندیم. این خبر انعکاس وسیعی در خبرگزاری‌ها داشت (goo.gl/EKXgP4، goo.gl/hh5B3P، goo.gl/ULxcMX) اما حرف و منطق پشت این تجمع و آن شعارها چه بود؟

۲ منطقه پارک ملی گلستان با حدود ۱۳۶۲ گونه گیاهی، یک پنجم گونه‌های گیاهی ایران را در خود جای داده و وجود این میزان از تنوع در تنها پنج صدم درصد مساحت ایران این منطقه را به بهشت تنوع زیستی ایران تبدیل کرده است. این تنوع منحصر که در تمام اوراسیا کم‌نظیر است، به قدمت بسیار زیاد جنگل گلستان بازمی‌گردد، قدمتی که تاریخ بیوسته پوشش جنگلی در این منطقه را به پیش از عصر یخبندان می‌رساند.

۳ این منطقه به عنوان یک پارک ملی به ثبت رسیده و حفاظت شده است. طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست اجرای هر گونه عملیات عمرانی در داخل پارک‌های ملی ممنوع است و براساس آیین‌نامه اجرایی این قانون، حتی برداشت گونه‌های گیاهی و جانوری در پارک‌های ملی ممنوع است، ورود افراد به پارک‌های ملی و فعالیت‌شان باید کاملاً کنترل شده باشد و وسایل نقلیه اجازه ورود ندارند.



عرفان کسرای

گروه فلسفه علوم
دانشگاه کاسل

سوءاستفاده از مفاهیم فیزیک کوانتومی

بازی با کلمات علمی

بسیاری از تعاریف و واژگان حیطه علوم در معرض کژفهمی و سوء برداشت قرار دارند و حتی مفاهیم پایه‌ای ریاضیات، نجوم، زیست‌شناسی و... ممکن است جابه‌جایه فهمیده شوند. مثلاً ممکن است فردی تصور کند مفهوم تکامل داروینی را خوب فهمیده اما اگر در محتوای ذهن او دقیق شویم درمی‌یابیم که فرد مورد نظر نمی‌تواند میان رویکرد داروینی و لامارکی تفاوتی قائل شود و در حقیقت این دورا با هم جابه‌جا گرفته است. حتی رد پای این فهم نادرست را غیر از علم، در فلسفه نیز می‌توان یافت. اما در سال‌های اخیر این سوءاستعمال لغات و تعاریف، بیش از همه گریبان فیزیک کوانتومی را گرفته و بسیاری تلاش کرده‌اند مبانی اصلی فیزیک کوانتومی را با مفاهیمی چون عشق، عرفان و معنویات و تائویسم پیوند بدهند. بسیاری از افراد که این بخش از فیزیک را یا به کلی متوجه نشده‌اند یا به صورت درهم و مغشوش از دیگران یا از طریق مجلات و وبسایت‌های زرد درباره آن مطالب پراکنده‌ای شنیده یا خوانده‌اند و تصویری می‌کنند که فیزیک کوانتومی به دلیل توصیف

پدیده‌های عجیب جهان، رازآلود و بنابراین این معنوی است. غالباً از سوی این افراد، اصرار عجیبی روی این موضوع وجود دارد که هر چه فیزیک جدید، از کوانتوم گرفته تا نسبیت به آن رسیده، پیشینیان می‌دانسته‌اند. تلفیق عرفان و معنویات با مفاهیم علمی، یکی از پرطرفدارترین بازارهای شبه‌علم است و در این بین، فیزیک کوانتومی به دلیل ثقیل و پیچیده بودن مفاهیم، دستاویز خوبی برای فضل فروشی و اظهار نظرهای به ظاهر عمیق (ولی در باطن توخالی) است. در ایران نیز کتاب‌های پر فروش بسیاری در این خصوص نوشته شده و اقبال عمومی به همایش‌ها و سخنرانی‌هایی که اصطلاحات پرطمطراق و پرطنینی مثل فیزیک کوانتومی، جهان‌های موازی، متافیزیک، لوح جهان یازده بعدی و این‌ها و این‌ها مغلوط شبه‌علمی مانند «اندیشه کوانتومی مولانا» و... لابه‌لای آن گنجانده شده، بسیار بالاست. حتی دست‌اندرکاران برنامه‌های فریب عمومی، رمالان حرفه‌ای، فالگیرهای اینترنتی یا کسانی که مدعی اند با وصل شدن به یک مفهوم انتزاعی مثل حلقه‌های شعور کیهانی، می‌توان بیماری‌ها را درمان کرد نیز از فیزیک کوانتوم صحبت می‌کنند تا آموزه‌های خود را ژرف‌تر و به عبارت دیگر علمی جلوه دهند. البته که دنیای عرفان زیباست، رباعیات خیام، شوریدگی مولانا و رندی حافظ، دنیایی جذاب و دوست‌داشتنی است اما این موضوع کمترین ارتباطی به سرفصل‌های علوم و فیزیک پیدا نمی‌کند. این سنخ تلفیق‌ها به صورت بنیادین غلط هستند هر چند که جذاب و زیبا به نظر برسند. درک اشتباهی که از آزمایش دو شکاف Double-slit experiment یا ننگ در فیزیک، در خصوص شناخت سرشت موجی یا ذره‌ای نور وجود دارد، به این باور دامن زده که عده‌ای تصور کنند که ذرات نیز شعور و آگاهی دارند و بنابراین می‌توانند هومیوپاتی یا باورهای عرفانی را با آن تطبیق بدهند.

۴ اما با کمال تأسف، از قلب این مهم‌ترین پارک ملی کشور ما، جاده ترانزیت می‌گذرد. برای ساخت این جاده زیستگاه گیاهان و جانوران زیادی نابود شده و حیوانات چرند و پرند زیادی به دلیل برخورد با اتومبیل‌های شخصی، کشته شده‌اند و برای مثال هر ماه یک پلنگ ایرانی که گونه‌ای در حال انقراض است در این جاده کشته می‌شود. از همه درناک‌تر اینکه پستان‌های پرشیر آخرین پلنگ کشته شده بر اثر تصادف در پارک نشان می‌داد که تازه زایمان کرده و فرزندانش هم احتمالاً از گرسنگی مرده‌اند. این خلاصه فاجعه‌ای است که در منطقه تحت حفاظت سازمان محیط زیست رخ می‌دهد. حیوانات می‌میرند و ریشه گیاهان در زیر آسفالت مدفون می‌شود. جاده‌ای پررفت‌وآمد از میان خانه جانوران می‌گذرد و آنها، که هر دو طرف این جاده خانه‌شان است، تاوان عبور از آن را با جان‌شان می‌پردازند.

۵ شرح اینکه چطور حیات وحش کشورمان می‌تواند برای ما سودمند باشد و اصلاً چطور مرگ یک پلنگ یا تخریب پوشش گیاهی یک منطقه می‌تواند بر زندگی ما اثر منفی بگذارد، مجال مفصل‌تری می‌طلبد، اما همین بس که بدانیم، در حالی که ما به پارک ملی کشورمان بی‌اعتنائیم و با آن چنین بی‌رحمانه برخورد می‌کنیم، امثال خارجی چنین پارک‌هایی حتی ستون‌های اصلی اقتصاد کشورهای دیگر را ساخته‌اند.

۶ این جاده در سال ۱۳۳۲ تأسیس شده و محل آن در بستر رودخانه‌ای است که از این پارک می‌گذرد. در سال‌های ۸۰ و ۸۱ و ۸۴ این جاده بر اثر وقوع سیل تخریب شد و هر بار پس از آسیب‌ها و تلفات گسترده بازسازی و ترمیم شد، در حالی که در سال ۱۳۸۳ یعنی بعد از وقوع دومین سیل، مطالعه جاده شمالی کلاله و آشخانه به تصویب مجلس رسید. جاده کلاله و آشخانه در خارج از پارک ملی گلستان قرار دارد و می‌تواند توسعه یافته و جایگزین جاده فعلی شود. این جاده یک مسیر کنار گذر برای جنگل است و از بیش از ۳۰ روستا در شمال پارک می‌گذرد و می‌تواند در بهبود زندگی ساکنان این روستاها نقش مهمی داشته باشد. به علاوه ساکنان این روستاها با جمع‌آوری طوماری خواستار اجرایی شدن این طرح شده‌اند و امیدوارند آمدن جاده ترانزیت تا کناره روستای‌شان، موجب بهبود معیشت ایشان شود.

۷ متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین انحرافات در این زمینه پس از سیل ۸۴ به وجود آمد و تلاش‌های دولت صرف ترمیم جاده فعلی شد. هر چند قرار بود این بازسازی طی دو سال و با رعایت اصول زیست‌محیطی انجام شود اما این گونه نشد.

۸ سیل‌های گلستان که ناشی از برهنه شدن زمین هستند و بر اثر تخریب پوشش گیاهی ناشی از چرای دام‌ها و ساخت جاده در این منطقه رخ می‌دهند، تا امروز ادامه دارند. در سست یک روز پس از بازگشت ما، در این منطقه سیل دیگری جاری شد که به قطع ارتباط با ۳۰ روستا و خساراتی شدید منتهی شد. (goo.gl/Y8646r)

۹ اکنون دو سؤال بزرگ برای ما باقی می‌ماند: آیا کسی قصد دارد از مسوولان وقت که باعث چنین انحرافی بودند، بابت این ضربه آشکار به محیط زیست، بازخواست کند و آیا دولت محترم قصد دارد سرانجام این رقم خطار از صحنه طبیعت ایران بزداید؟

